**به نام خدا**

**دوره ی تخصصی آموزش مدرسین کارورزی**

**باز آموزی دوره کارورزی 1**

**دانشگاه فرهنگیان**

**کارگاه دوم**

**شهریور 1394**

**عناوین اساسی**

* **مفاهیم کلیدی موجود در سرفصل**
  + **مشاهده ی تاملی، عمل فکورانه،هویت حرفه ای،روایت، توصیف، سطوح نوشتن تأملی، واکاوی تجربیات، سمینار، بازخورد، تحلیل و کدگذاری، مفاهیم و مضامین، مضمون نهایی، گزارش پایانی، پوشه کار ، ارزیابی**

**مشاهده ی تأملی**

* **مشاهده تاملی یعنی رسیدن به یک نگاه همه جانبه و کل نگر.**
* **زمانی که فرد در موقعیت یادگیری قرار می گیرد، حواس گوناگون خود را به کار می گیرد و با دریافت داده های حسی خام از محیط پیرامون راه را برای دستیابی به شناخت هموار می‌سازد. مشاهده‏ای که در آن تمامی حواس فرد به کار بسته می شود و او را قادر به دیدن جزئیات و صورت های مختلف یا ابعاد مختلف موقعیت می‌کند.**
* **تأمل یعنی تفکر مجدد؛تأمل هنگامی صورت می گیرد که شما لحظه ای مکث می کنید تا پس از رخ دادن رویدادی، با برگشت به عقب به آن بیاندیشید. آن رویداد را به ذهن می آورید و در مورد آن بیشتر فکر می کنید. به این ترتیب این رویداد حالت توالی زمانی خود را از دست داده و به مجموعه ای از افکار پرسشگر مانند «چه اتفاقی افتاد؟» «چگونه؟» و «چرا؟» تبدیل می‌شود.**
* **دست یابی به مشاهده تأملی با نگاه کردن به موضوع از لنزهای مختلف (دانش آموز، معلم، دانشجو، همکار) و نیز زوایای مختلف امکان پذیر است.**

**عمل فکورانه**

* **عمل فکورانه، حرکت از کنش های روتین و روزمره‏ای که ریشه در تفکر عرفی دارد، به سوی کنشیاست که از تفکر حرفه‏ای بر می خیزد و ریشه در منابع مبتنی بر شواهد بیرونی(مشاهدات) یا یافته های نظری دارد.**

**روایت**

* **روایت چیست؟**
* **قالبی که برای بیان تجربیات داریم روایت است. بر این اساس،تکلیف مهم دوره های کارورزی «روایت» است.**
* **روایت مجموعه ای رخداد است که با آن سر و کار داشته اید و آمیخته با احساسات و پیش فرض های ماست؛ پیش فرض ها و احساساتی که ما را از فرد دیگر متمایز می کند.**
* **در روایت ما با یک چشم بیرونی اتفاقی را می بینیم.**
* **روایت به چه کار می آید؟**
* **روایت ها باعث می شوند ما زبان مشترکی برای گفتگو پیدا کنیم.**
* **روایت ها حاوی توصیف و دریافت های ما از رخدادها هستند و از این حیث، نشان دهنده ی احساسات، پیش فرض ها وباورهایی هستند که در پس ذهن ما وجود دارند.**
* **تکلیف عملکردی: بررسی چند نمونه روایت**

**ارتباط توصیف و دریافت (دریافت ها، احساسات ها و قضاوت ها) در روایت**

**توصیف**

* **بخشی از کار مشاهده ی تأملی «توصیف» ماست که با واقعیت آمیخته است.**
* **خبره تربیتی فردی است که به کلاس وارد می شود و هر آنچه که می بیند را بسیار شبیه به منتقدی که از نمایشگاهی بازدید می کند، می نویسد و یادداشت می کند. این امر به این خاطر است که «هیچ مفهومی بدون اطلاعات حسی شکل نمی‌گیرد» (آیزنر، 2005).**
* **«توصیف» بیان ویژگی های کمی یا کیفی هر چیز است.**
* **«توصیف» بیانگر هر آنچیزی است که وجود دارد؛ آنچیزی که با حواس خود می بینیم.**
* **محصول «توصیف» در همه ی افراد کم و بیش یکسان است.**
* **«توصیف» بار ارزشی ندارد.**
* **مشاهدات ما نظریه بار هستند؛ بر این اساس ما به «توصیف» نیاز داریم تا بفهمیم چه چیزهایی را می شنویم، نمی شنویم، می بینیم یا نمی بینیم؛ برای هر یک از این دیدن ها و ندیدن ها دلیلی وجود دارد.**

**دریافت(دریافت ها، احساسات ها و قضاوت ها)**

* **«دریافت» ها ی ما با ادراک و منطق پیوند می خورد.**
* **«دریافت» ها ی ما نیز بار ارزشی کمی دارند و از این جهت مانند باورها نیستند.**
* **«دریافت» ها با توجه به تجربیات شخصی متفاوت است. ما در این بخش بر اساس تجربیات شخصی به استدلال می پردازیم. بنابراین این بخش با ادراک ومنطق ما پیوند می خورد؛ صرفنظر از اینکه کاری خوب یا بد است.**
* **در مقابل «قضاوت» ها بار ارزشی دارند.**
* **«قضاوت» ناظر به باورهای ماست و با ارزشهای شخصی افراد سروکار دارد. بنابراین در «قضاوت» ما به درستی یا نادرستی و خوبی یا بدی کاری اشاره می کنیم.**
* **«دریافت» ، «قضاوت» قابل تفسیرند و برای رسیدن به یک فهم مشترک از آن ها، نیازمند پیدا کردن یک زبان مشترک با یکدیگر هستیم. نقطه ی آغاز این زبان مشترک «توصیف» ما از واقعیات و ارائه ی شواهد حسی برای رخدادهاست.بر این اساس از «مشاهده» که هم ما می بینیم و هم دیگران، «گفتگو» آغاز می شود.**
* **«توصیف» های ما بر «دریافت» و «قضاوت» هایمان تاثیر می گذارند.**
* **تکلیف عملکردی: (نوشتن روایت )**

**سطوح نوشتن تأملی**

**سطح یک**

* **توصیف روزنگار: توصیفی از آنچه که در کلاس روی داده است.**

**سطح دو**

* **توصیف روزنگار + تفسیر تحلیلی: تلاش برای پاسخ به این پرسش که «چرا چنین چیزی رخ داد؟»**

**سطح سه**

* **توصیف روزنگار + تفسیر تحلیلی+ استفاده از مناسب متون علمی و نظریه : نشان می دهد که دانشجو چگونه از پیشینه علمی ای که در مورد درک و دانش حرفه ای وجود دارد، استفاده می کند تا از تأمل حمایت کند، و پداگوژی را رشد دهد و یادگیری حرفه ای را غنی کند. تلاش برای پاسخ به پرسش های «چرا چنین چیزی رخ داد؟»، «چه دانش و نظریه هایی در مورد آن وجود دارد؟»،«من چگونه می توانم از آنچه که نسبت به آن شناخت کسب شده است استفاده کنم تا عمل حرفه‌ای خود را بهبود بخشم؟»**

**واکاوی تجربیات**

* **روایت ها با سه لایه ی پایینی آمیخته اند و شما با روایت ها در می یابید که دانشجو دارای چه باورها و مفروضاتی است.**
* **مجموعه ی باورها (یا مفروضات) ما بسیار با تجربیات بسیار دور ما آمیخته اند.**
* **باور ها بر لایه ی دریافت ها ی ما تاثیر می گذراند.**
* **ما با واکاو ی تجربیات شخصی خود، خود را کشف می کنیم و از عمل خود می آموزیم. به این عمل اصطلاحا "در پرانتز قرار دادن تجربه ها" گفته می شود؛در «پرانتز» فرد، تا جایی که امکان دارد، تجربه های خود را به کناری می نهد تا بتواند از زاویه تازه ای به پدیده مورد بررسی بنگرد، گویی که برای نخستین بار به آن پدیده نگاه می‌کند.**
* **شما فقط با واکاوی تجربیات می توانید بفهمید که چه باورهایی این تجربیات را پشتیبانی می کنند.هر چه این اطلاعات با جزییات بیشتری بیان شوند تصویر بهتری از باورها در می یابید.**